مهدي (عج(

 رابرت، اس، کرامر

 ترجمه: بهروز جندقي

مهدي: واژهِ مهدي (هدايت شده از سوي خداوند)به شخصيتي معادشناختي دلالت دارد كه حضور او پيش از آخرالزمان منجر به ايجاد عصر عدالت و ايمان واقعي خواهد شد. ريشهِ اين واژه را نمي‌توان در قرآن يافت و در واقع اصلاً در آن ذكر نشده است،(1) اما لقب بسيار محترمانه‌اي بوده كه مسلمانان در صدر اسلام براي پيامبر و چهار خليفهِ اول به كار مي‌بردند.(2) كاربرد اين واژه به وسيله شيعيان بيش‌تر گسترش يافت و آن را در مورد محمد بن حنفيه (پسر امام علي) كه قيامي را در سال 685 م به راه انداخت به كار بردند.(3) بعدها شيعه اين "هدايت شده به حق" را تقديس نموده و مرگ او را انكار كردند و معتقد شدند كه او از نظرها نهان است.(4) حوادث ديگري از اين قبيل در تاريخ شيعه وجود دارد - امام دوازدهم محمد بن حسن عسكري را كه در سال 878 م از نظرها نهان شد،(5) مهدي ناميدند - در نتيجه اعتقاد به يك ناجي مسيحيا (مهدي منتظر) به وجود آمد كه روزي بازخواهد گشت تا از آرمان طرفداران خود حمايت كند.

اگرچه مهدويت نقشي اساسي در اعتقادات شيعه داشته، در اسلام سنّي از چنين اقبالي برخوردار نبوده است؛(6) در ميان اهل سنت تكيه بر اجماع علما و اعتقاد به توان جامعه جهت اصلاح خود، به لحاظ نظري ضرورت اعتقاد به چنين شخصيتي را نفي مي‌كند. اما اين مفهوم طي ناآرامي‌هاي سياسي قرون اوليه، در اعتقاد عمومي اهل سنت نفوذ به‌سزايي داشت. مدّعيان گوناگون مهدويت در تأييد ادعاهاي خود به تعداد بسيار زياد و فزايندهاي از احاديث پيامبر دربارهِ مهدي اشاره مي‌كردند. پاره‌اي از مطالب مشترك اين احاديث عبارتند از: مهدي از خاندان پيامبر خواهد بود. هم‌نام پيامبر است، و پدر او نيز هم‌نام پدر پيامبر است (يعني نام او محمد بن عبدالله خواهد بود)،(7) زماني ظهور خواهد كرد كه جهان در بدترين وضعيت خود باشد؛ در زمان حكومت او نعمت‌هاي طبيعت فراوان خواهد شد. او عدالت را منتشر خواهد ساخت، دين را احيا مي‌كند و دشمنان اسلام را نابود مي‌نمايد؛ ظهور او با علايم معجزه آسايي همراه خواهد بود. او فردي سخاوتمند خواهد بود و ثروت را [بين همگان] تقسيم خواهد كرد. احاديث مذكور در بسياري از مسايل با هم اختلاف دارند؛ در نتيجه قابليت انطباق وسيعي دارند.(8) به طور كلي، ديدگاه اهل سنت در خصوص مهدويت در مقايسه با ديدگاه شيعه كه بر تجسم خداوند(9) استوار است، بيش‌تر ناظر به كسي است كه احياگر دين است؛ كسي كه براي تصدي مسند قدرت برگزيده مي‌شود نه اين‌كه صرفاً از غيبت بازگردد. عوامل مهم گسترش انديشه مهدويت، آثار علماي مختلف صوفي، از جمله عالم بانفوذ، ابن عربي (متوفاي 1240 م) بوده است.(10)

مؤيد اقبال عمومي به انديشه مهدويت، فراوانيِ تعداد مدعيان اين عنوان در تاريخ اسلام است. محمد عبيدالله (متوفاي 934 م)، نخستين خليفهِ فاطمي، با استفاده از انتظارات مردم از مهدي و احساسات شيعه، در شمال آفريقا به قدرت رسيد. او با ظاهر شدن در جبل مسا واقع در مغرب - كه در آن زمان محل موعود ظهور مهدي تلقي مي‌شد(11) - مدعي شد كه از نوادگان دختر پيامبر، فاطمه، است و اظهار داشت كه برادر امام غايب، امام دوازدهم، است. بنيانگذار جنبش اصلاح‌طلب موحّدون در قرن دوازدهم، محمد بن تومَرت (متوفاي 1130 م) نيز مدعي شد كه مهدي است و از نوادگان امام علي است. به طور خاص، با فرا رسيدن قرن سيزدهم هجري قمري (1875 - 1883 م)، كه به دليل اهميت فراوان مسيحايي آن، مردم، مدت‌هاي مديد در انتظار فرا رسيدن آن بودند، اعتقاد به مهدويت افزايش يافت. در اين دوران، حداقل سه رهبر جنبش‌هاي اصلاح طلب در غرب آفريقا؛ - شيخ عثمان دن فوديو1 از سوكوتو2، شيخ احمدو باري3 از ماسينا4 و حاج عمر تال5 از امپراطوري توكلور6 - از گرايش‌هاي مردم به مهدويت براي آغاز جهاد خود بهره گرفتند. انتظار آمدن مهدي از شرق، موج مهاجران غرب آفريقا را به سمت نيل گسيل داشت و اين امر قيام و موفقيت مهدي محمد احمد سوداني (متوفاي 1885 م) را تسهيل كرد. [به زندگينامهِ دن فوديو و عمر تال مراجعه كنيد.] در اين ميان، چند مهدي در مصر ظهور كرد كه منجر به قيام عليه اشغال فرانسه و نيز حكومت دولت مصر گرديد. تا پايان قرن نوزدهم، قيام تحت عنوان مهدويت عليه امپرياليسم اروپا امري تقريباً عادي بود كه براي مثال در هند، الجزاير، سنگال، غنا، و نيجريه رخ داد. آن‌چه در تمام اين نهضت‌ها مشترك بود، اين تصور بود كه فساد، آرمان‌هاي اسلامي را در بر گرفته است و سلطهِ سياسي و فرهنگي غرب نابكارانه [در ميان مسلمين] نفوذ كرده است. اخيراً، همين تفكر، عامل تصرف مسجدالحرام در مكه در سال 1979 به وسيلهِ مهدي عربستان سعودي بود؛ انتقاد شيعه از "نظم نوين جهاني" به رهبري امريكا نيز با واژه‌هاي مربوط به مهدويت عنوان شده است. با توجه به قدرت برانگيزندهِ مهدويت و شرايط انعطاف‌پذير ظهور مهدي، مي‌توان انتظار داشت هر جا كه تصور شود منافع اسلام در خطر است، ادعاي مهدويت مطرح گردد.

[به معادشناسي؛ (Eschatology) مسيحاباوري (Messianism)، احيا (Revival) و تجديد (Renewal) نيز مراجعه كنيد.]

كتابنامه‌

1. هالت، پي. ام.7 "منجي‌گرايي در اسلام و تحقق پيش‌گويي." در پيش‌گويي و منجي‌گرايي، با ويرايش آن ويليامز8، صص. 347 - 337. لندن، 1980. (مروري بر مهدي سوداني در بافت انديشه مهدويت اسلامي).

2. ابن خلدون، مقدمه. 3 جلدي. ترجمه` فرانتس روزنتال.9 نيويورك، 1985؛ عالم عرب بررسي كلاسيك فلسفه` تاريخ و جامعه‌شناسي، از آفريقاي شمالي، 1377. فصل 3 حاوي بحث مهمي در خصوص ديدگاه‌هاي عمومي مسلمانان درباره مهدي است، كه در آن بر نفوذ صوفي و شيعه نيز تأكيد شده است.

ساشادينا، اِي، اِي.10 مهدويت در اسلام: انديشه مهدويت در شيعهِ دوازده امامي. آلباني. نيويورك. 1981. كامل‌ترين مطالعات جديد درباره انديشهِ مهدويت در اسلام، يا تأكيد بر عقايد شيعه و نيز بررسي گسترش اين انديشه در اسلامِ اهل سنت.

رابرت اس. كرامر(Robert S. Kramer)

1Shaykh usman dan fodio .

2 Sokoto ..

3. Shaykh Ahmadu Bari.

4. Masina.

5. ". Al-. H a.j.j Umar Tal. "

6. Tukolor.

7. Holt, P. M.

8. Ann Williams.

9. Franz Rosenthal.

10 Sachedina, A. A..

1) با نگاهي گذرا به معجم مفهرس قرآن كريم روشن مي‌شود كه ريشه` <مهدي> (واژگان هدايت) بيش از 300 بار در قرآن آمده است، به ويژه در مورد امامان هدايتگر [انبياء/ 73 ؛ سجده/ 24].

2) استعمال عنوان <مهدي> در مورد رسول اكرم(ص) و خلفاي چهارگانه هرگز معهود نبود.

3) محمد حنفيه فرزند برومند اميرمؤمنان(ع)، هرگز ادعاي امامت و مهدويت نكرد، و هرگز به مختار دستور قيام نداد [انساب الاشراف بلاذري، ج 5، ص 218 ] و هنگامي كه مطلع شد كه مختار ادعا كرده كه از سوي او اعزام شده، از او تبرّي جست. [الملل والنحل، ج 1، ص 149] فقط اقليت كيسانيه به او اين عنوان را دادند، در حالي كه او از آن‌ها بيزار بود. [الكيسانيّه في التاريخ والادب، ص 123] آن‌ها نيز در قرن دوم به كلي منقرض شدند. [الفصول المختاره، ج 2، ص 305].

4) اين مطلب را نمي‌شود به شيعه نسبت داد، بلكه عقيدهِ اقليت ناچيزي به نام كيسانيه بود.

5) اين تاريخ دقيق نيست، زير تولد آن حضرت به سال 869 م. ، آغاز امامتش سال 874 م. و آغاز غيبت كبري به سال 941 م. مي‌باشد و سال 878م. با هيچ كدام منطبق نمي‌باشد.

6) اگرچه عقيده به مهدي موعود در ميان اهل سنت در حدّ شيعيان نيست، ولي در حدّ تعبير نويسنده نيز نمي‌باشد، تا كنون بيش از 200 كتاب مستقل از علماي عامه درباره حضرت مهدي(ع) منتشر شده است. ر.ك: كتابنامهِ حضرت مهدي(عج) ج 1 و 2.

7) حافظ گنجي شافعي تصريح كرده كه جملهِ : <اسم ابيه اسم ابي> در روايات صحيحه نيامده و آن را <زايده> افزوده و او هميشه در احاديث دستبرد مي‌زد. [البيان في اخبار صاحب الزّمان، ص 27].

8) مهدي(ع) از نظر شيعه <مهدي شخصي> است نه <نوعي> ، و هرگز با فرد ديگري جز فرزند امام حسن عسكري(ع) قابل انطباق نيست. بسياري از محققان اهل سنت نيز تصريح كرده‌اند كه مهدي موعود فرزند امام حسن عسكري است و در تاريخ 15 شعبان 255 هجري متولد شده است. ر.ك: ميلاد نور، از علي اكبر مهدي پور.

9) منظور نويسنده از عبارت <تجسم خداوند> معلوم نشد.

10) با وجود احاديث بي‌شماري در مورد حضرت مهدي(ع) در مجامع حديثي اهل سنت نمي‌توان ابن عربي‌ها را از عوامل گسترش انديشه` مهدويّت بر شمرد، به عنوان مثال تنها در كتاب <مسند احمد حنبل> پيشواي حنابله، كه 15 سال پيش از ميلاد حضرت مهدي(عج) در گذشته، 136 حديث درباره مهدويت موجود است. رك: احاديث المهدي من مسند احمد بن حنبل، صص 34 - 76.

11) منظور نويسنده از اين جمله روشن نيست، اصولاَ بين اعتقاد به مهدويّت و كوه <مسا> در <مغرب> چه رابطه‌اي متصوّر است؟.